

تهران و قاره سبز در نقطه صفر

اروپا ضعیف‌تر شده، اما همچنان قدرت است. فرانسه لیدر سیاسی و آلمان موتور اقتصادی باقی مانده‌اند. کلید عبور از این وضعیت سه‌هکیم، به نظر من، در مسئله اوکراین نهفته است. حل تش در این حوزه می‌تواند راهگشای روابط با اروپا باشد؛ هرچند همه مشکلات را حل نخواهد کرد.

یوتین می‌گذارد؟

جاوید قربان‌اوغلی: اجازه بدهید ابتدا این نکته را روشن کنم. اینکه گفته شود «یوتین اجازه می‌دهد یا اجازه نمی‌دهد»، از اساس محل اشکال است. ما یک کشور مستقل هستیم. ما باید مذاکرات را با اروپا شروع کنیم. این بسیار بد است که گفته شود یوتین اجازه می‌دهد. ما کشور مستقلی هستیم.

ولی این واقعیت است که هنگامی که محمود طریف به اظهارات آقای سرگنی لاروف پاسخ می‌دهد، موجی سیاسی برای محاکمه وی به راه می‌افتد که نشان‌دهنده معادلات دیگری است.

جاوید قربان‌اوغلی: این مسئله به مشکل دوم بازمی‌گردد که بیش‌تر اشاره کردم؛ فقدان انسجام داخلی و چالش‌های حکمرانی. به اعتقاد من، حل معضلات سیاست خارجی که اکنون یکی از بزرگ‌ترین مشکلات کشور است، مستلزم ریل‌گذاری نوین در نظام حکمرانی است. سیاست خارجی ایران، هرچند وزارت امور خارجه سهمی در آن دارد، عمدتاً توسط نهادهای بالادستی و براساس قانون اساسی تعیین می‌شود. اولویت نخست، آشتی ملی و بازسازی انسجام داخلی است. جنگ ۱۲ روزه، مشعشع‌ترین دوره در تاریخ ۴۶ساله جمهوری اسلامی پس از دفاع مقدس بود؛ جایی که مردم در برابر تحریم‌ها و تهدیدهای خارجی، ایستادگی بی‌نظیری نشان دادند. این انسجام نه تنها در داخل، بلکه حتی میان ایرانیان خارج‌نشین که برخی با نظام زاویه داشتند، مشهود بود. اگر این انسجام محقق شود، سیاست خارجی نیز تحول می‌یابد. هرچند نهادهایی سیاست‌گذار هستند، اما در مردم‌سالاری، شهروندان حقی در تعیین سرنوشت دارند. می‌توان از طریق نظرسنجی معتبر، رفتارندم یا نهادهای مورد اعتماد نظام، نظر مردم را جویا شد. رابطه نزال با آمریکا، نه تسلیم و نه مرعوب‌شدن، یکی از ابزارهای دیپلماسی برای تأمین منافع ملی است. اگر مردم خواهان روابط متعادل با همه قدرت‌ها از جمله آمریکا، روسیه، چین، ژاپن و آلمان باشند، باید این اراده ملی مینا قرار گیرد. تأکید اروپا به مذاکره با آمریکا نیز نه از سر ضعف مطلق، بلکه از درک واقعیت هژمونی آمریکاست؛ بدون توافق ایران و ایالات متحده، دست اروپا برای پیشرفت در روابط بسته می‌ماند.

پیش از جنگ ۱۲ روزه، ما با قطع‌نامه‌ای از سوی اروپایی‌ها مواجه بودیم که به‌زعم بسیاری زمینه‌ساز حمله اسرائیل به ایران شد. پس از آن نیز با فعال‌شدن سازوکار ماشه روبه‌رو شدیم. آیا اکنون به نظر می‌رسد در یک دور باطل از تنش قرار گرفته‌ایم؟ پرسش اصلی‌تر این است که آیا اروپا به دنبال تشدید و تصاعد تنش است یا آنکه قصد دارد این تنش را در سال ۲۰۲۵ به اوج رسانده و در ۲۰۲۶ کنترل کند؟

علی‌ماجدی: اجازه بدهید ابتدا به نکته‌ای که آقای قربان‌اوغلی مطرح کردند، اشاره کنم. در مسئله هسته‌ای، واقعیت این است که اروپا بدون آمریکا عملاً قادر به اقدام مؤثر نیست. این موضوع پس از برجام به‌روشنی تجربه شد. تلاش‌هایی مانند سازوکار اینستکس، با وجود اراده سیاسی اروپا، به نتیجه نرسید. من در آن زمان سفیر ایران در آلمان بودم و به یاد دارم که حتی وزیر دارایی فرانسه به صراحت اعلام کرد اروپا تصور نمی‌کرد بدون در برابر دلار تا این حد به نظام مالی جهانی ضعیف باشد. واقعیت این است که هیچ بانک اروپایی حاضر نشد ریسک حذف دلار از مبادلات خود را بپذیرد. اینها واقعیت‌های نظام مالی بین‌الملل است. بیش از ۷۵ درصد ترانکش‌های مالی جهان، مستقیم یا غیرمستقیم، تحت سلطه دلار انجام می‌شود. وقتی آمریکا بانک‌های اروپایی را به تحریم‌های سنگین تهدید می‌کند، طبیعی است که آنها عقب‌نشینی کنند. بنابراین، در موضوع هسته‌ای، اروپا بدون همراهی آمریکا عملاً توان حل مسئله را ندارد و این موضوع بارها آزموده شده است. اما پرسش مهم این است که چرا ما اساساً از مذاکره پرهیز می‌کنیم؟ اینکه در میانه مذاکرات حمله‌ای صورت گرفته، امری نادرست و محکوم است. اما آیا پاسخ آن، کنارگذاشتن مذاکره است؟ ما نشان داده‌ایم که توان دفاع نظامی داریم؛ پس می‌توان با پشتوانه این قدرت، وارد مذاکره شد. مذاکره به این معنا نیست که طرف مقابل حداقل خواسته‌های خود را مطرح کند؛ همه طرف‌ها را حداکثر مطالبات وارد گفت‌وگو می‌شوند و در نهایت به نقطه تعادل می‌رسند. تجربه برجام نشان داد که دیپلماسی ایران توانمند است. تیم مذاکره‌کننده ایران توانست با شش قدرت جهانی به توافقی برسد که حاصل آن یک وضعیت «برد-برد» بود. این توان دیپلماتیک هم‌چنان وجود دارد. ضعف ما نیست، بلکه استفاده‌نکردن از این ظرفیت است. در روابط با اروپا، مسئله هسته‌ای تنها حوزه‌ای است که بدون آمریکا قابل حل نیست، اما در سایر موضوعات، به‌ویژه مسئله اوکراین، چنین محدودیتی وجود ندارد. ما هیچ تعهدی نداریم که منافع ملی خود را فدای رضایت یا این یا آن قدرت کنیم. اگر با روسیه، چین، اروپا یا حتی آمریکا کار می‌کنیم، باید صرفاً براساس منافع ملی باشد، نه ملاحظات خوشایند یا ناخوشایند دیگران. من سال‌ها پیش به مرحوم آقای هاشمی‌رفسنجانی هم عرض کردم که بدون تنظیم رابطه با آمریکا، رسیدن به تعادل پایدار در سیاست خارجی ممکن نیست. کشوری که حدود ۲۵ درصد تولید ناخالص جهان و نزدیک به ۷۵ تا ۸۰ درصد ترانکش‌های مالی جهانی را در اختیار دارد، نمی‌توان از معادلات جهانی حذف کرد و انتظار داشت سایر روابط به تعادل برسند. حذف آمریکا از معادله، هزینه‌های سنگینی بر اقتصاد، تجارت و مبادلات مالی کشور تحمیل کرده است؛ هزینه‌هایی که می‌توانستند اجتناب‌پذیر باشند. در نهایت، سیاست خارجی نیازمند برنامه و ابتکار است. دستگاه دیپلماسی باید سناریوهای مختلف را طراحی و به تصمیم‌گیران ارائه کند؛ برای اروپا، ایران آمریکا و برای سایر بازیگران، تصمیم‌هایی ممکن است در سطوح بالاتر گرفته شود، اما بدون ارائه گزینه‌ها و تحلیل پیامدها، سیاست خارجی به حالت انفعالی فرو می‌گلد. به اعتقاد من، مشکل امروز ما دقیقاً فقدان این ابتکار و برنامه‌ریزی فعال است.

بنابراین پرسش من این است که با توجه به تأییدی که هم شما جناب آقای ماجدی و هم جناب آقای قربان‌اوغلی بر متغیر جنگ اوکراین دارید، اکنون که زرمزه‌هایی درباره «طرح ۱۴ ماده‌ای ترامپ» و احتمال پایان این جنگ شنیده می‌شود، آیا در صورت پایان جنگ اوکراین می‌توان امیدوار بود ایران نیز از دام روسیه در جنگ خارج شود؟

علی‌ماجدی: من اساساً با به‌کارگیری تعبیر «دام روسیه» موافق نیستم؛ همان‌طور که تعبیر «دام

ادبیانه از صفحه ۲



یوتین و قربان‌اوغلی

آمریکا» را نیز دقیق نمی‌دانم. ما یک کشور مستقل هستیم و باید با قدرت‌های بزرگ رابطه داشته باشیم؛ با آمریکا، با روسیه، با چین و با اروپا. اصل موضوع، استقلال در تصمیم‌گیری و تعریف روابط بر مبنای منافع ملی است.

حتی پیش از پایان جنگ اوکراین نیز ما می‌توانستیم مذاکرات خود با اروپا را آغاز کنیم، مشروط بر آنکه با برنامه مشخص و سناریوهای روشن پیش می‌رفتیم. وزارت امور خارجه باید برای رابطه با اروپا، با اتحادیه اروپا، با کشورهای کلیدی مانند آلمان و همچنین برای سایر کشورهای اروپایی، برنامه‌های تفکیک‌شده و سناریوهای متفاوت داشته باشد. اگر می‌دانیم که مسئله هسته‌ای بدون آمریکا قابل حل نیست، می‌توانیم آن را در مسیر جدانگانه‌ای پیگیری کنیم و در عین حال، سایر مسائل، اعم از روابط دوجانبه، اقتصادی و سیاسی را با اروپا پیش ببریم. اروپایی‌ها آمادگی این گفت‌وگو را دارند. اما مشکل اصلی بی‌تحركی از سوی ماست. من تحركی نمی‌بینم که نشان دهد اراده‌ای جدی برای خروج از این وضعیت نامطلوب که در تاریخ روابط ما با اروپا کم‌سابقه بوده وجود دارد. بدون ورود فعال به مذاکره و گفت‌وگو، این وضعیت تغییر نخواهد کرد. نمی‌توان همه مسائل را صرفاً به موضوع هسته‌ای تقلیل داد. روابط دوجانبه، مناسبات اقتصادی و همکاری‌های صنعتی نیز باید به‌طور مستقل مورد بحث قرار گیرند. اجازه بدهید به تجربه‌ای عینی اشاره کنم: زمانی که سفیر ایران به آلمان بودم، مدیران ارشد شرکت‌هایی مانند زیمنس، دیوچه‌بانک و سایر بنگاه‌های بزرگ اروپایی به‌طور منظم به سفارت رفت‌وآمد داشتند. مدیرعامل وقت زیمنس در یک سخنرانی تصریح کرد که اروپا برای تبدیل‌شدن به «قدرت سوم جهانی» دو مؤلفه اساسی را کم دارد: انرژی و بازار مصرف. به گفته او، اروپا برای تکمیل این مؤلفه‌ها ناگزیر از بازیگری است و در این چارچوب، روسیه و خاورمیانه اهمیت ویژه‌ای دارند و در میان کشورهای خاورمیانه، ایران و مصر جایگاه برجسته‌ای دارند. در دوره برجام، این نگاه کاملاً عینی شد. فقط در یک سال، حدود ۱۲ میلیارد دلار پروژه تعریف شد. شرکت BASF قرارداد شش میلیارد دلاری با پتروشیمی خلیج فارس امضا کرد؛ پروژه‌های بالادستی نفتی به ارزش چند میلیارد دلار تعریف شد، فولکس‌واگن وارد ایران شد و برنامه تولید ۴۰۰ هزار خودرو مطرح شد. اینها شعار نبود، اسناد مکتوب و قراردادهای رسمی بودند. وقتی از برجام دفاع می‌کنم، صرفاً از یک مفهوم انتزاعی صحبت نمی‌کنم؛ از اعداد، پروژه‌ها و فرصت‌های واقعی سخن می‌گویم. در عرض یک سال، چنین دستاوردهایی حاصل شد. اما پس از آن، فرصت‌سوزی‌های گسترده‌ای صورت گرفت. حتی در مقاطعی این تصور به وجود آمد که توافق نهایی در آستانه امضاست، اما باز هم این فرصت‌ها از دست رفت. آنچه من می‌خواهم بر آن تأکید کنم این است که رقابت‌های داخلی و بعضاً منافع جناحی، در مقطعی به‌گونه‌ای عمل کرده‌اند که منافع ملی قربانی شده است. تلاش برای کسب امتیاز بیشتر، فراتر از چارچوب‌های عقلانی و منافع کلان کشور، در نهایت به از دست رفتن فرصت‌ها انجامیده و تاریخ‌پایه این واقعیت را ثبت کند. ما فرصت‌های مهمی را از دست داده‌ایم. در جهان، استراتژی کشورها معمولاً ثابت است و آنچه تغییر می‌کند، تاکتیک‌هاست که با تغییر دولت‌ها دگرگون می‌شود. این تغییرات در نظام‌های حکمرانی مبتنی بر احزاب و نخبگان رخ می‌دهد. احزابی که برای ماندن در قدرت، بهتر و کارآمدتر نباشند، باید حذف شوند. پرسش اینجاست که آیا ما چنین ساختار پویایی در داخل داریم؟ ساختاری که بتواند خود را به‌روز کند و هم‌زمان با تحولات جهانی پیش برود؟ در بسیاری از کشورها، مسئولیت‌پذیری و پاسخ‌گویی نهادینه شده است. در انگلستان، نخست‌وزیری که حمایت سیاسی خود را از دست می‌دهد، کنار گذاشته می‌شود. در ژاپن، حتی یک خطای کوچک یک وزیر می‌تواند به استعفا فوری او بینجامد. اینها مؤلفه‌های حکمرانی مدرن است که به‌طور مستمر خود را به‌روز می‌کند، در حالی که جهان دائماً سیاست‌های خود را به‌روزرسانی می‌کند. ما اما یک مرتعش‌پای دره‌ها بدون بازنگری جدی دنبال کرده‌ایم. اکنون نیز در شرایطی قرار گرفته‌ایم که حتی تهدید به حمله مجدد مطرح می‌شود. پرسش اساسی این است که آیا ادامه این مسیر عاقلانه است یا خیر؟ با توجه به شرایط موجود، اگر همان پاترنه‌ها پابرجا بمانند، بعید است روابط ایران و اروپا در سال‌های آینده به‌طور خودکار بهبود یابد؛ مگر آنکه تصمیمی آگاهانه برای تعدیل مسیر اتخاذ شود.

با توجه به نکاتی که مطرح کردید، پرسش من این است که با وجود تداوم همان پارامترهای پیشین، آیا روابط ایران و اروپا مانند سال ۲۰۲۵ تا ۲۰۲۶ به همین شکل ادامه خواهد یافت؟ آیا باید منتظر تداوم تنش، تشدید آن یا نوعی تعدیل در این روابط باشیم؟

جاوید قربان‌اوغلی: به اعتقاد من، پاسخ این پرسش کاملاً به خود ما بستگی دارد. من همه‌چیز را در تصمیم و ابتکار ایران می‌بینم. درباره طرح ۲۰ ماده‌ای مورد اشاره شما، باور دارم هر ابتکاری که ایران قصد انجام آن را دارد، باید پیش از پایان جنگ اوکراین صورت گیرد. اگر این جنگ پایان یابد و ما بدون کنش مؤثر باقی بمانیم، تمام هزینه‌ها را پرداخته‌ایم بی‌آنکه منفعتی برده باشیم و در آن صورت، وزن و ارزش ما در معادلات کاهش خواهد یافت. اکنون، پیش از پایان جنگ اوکراین، موضع ایران همچنان اهمیت دارد. در این مقطع، نظام می‌تواند با تعیین یک نماینده ویژه با اختیارات کامل،

چه از طریق وزارت امور خارجه و چه خارج از آن گفت‌وگوهای جدی با اروپا را آغاز کند. محور این گفت‌وگو باید روشن باشد؛ مسئله اوکراین چیست، اروپا از ایران چه می‌خواهد و در مقابل چه امتیازی ارائه می‌دهد؟

در کنار آن، باید مسئله هسته‌ای را نیز به‌طور واقع‌بینانه مدیریت کرد. اصرار بر رویکردی که منفعت ملموسی برای کشور ندارد، قابل دفاع نیست. ما باید آماده مذاکره باشیم؛ چه با اروپا و چه با آمریکا، و در عین حال، مسئله حمله غیرقانونی به تأسیسات هسته‌ای ایران را به عنوان یک مطالبه حقوقی مشروع روی میز مذاکره بگذاریم. هم‌زمان، موضوع انرژی نیز اهمیت اساسی دارد. جنگ اوکراین اروپا را با بحران انرژی مواجه کرد. ایران، با داشتن دومین ذخایر گاز جهان، بالقوه می‌توانست به یکی از گزینه‌های جایگزین اروپا تبدیل شود.

کما اینکه قطری‌ها این کار را کردند...

بله. اگرچه زیرساخت‌های لازم فراهم نبود، اما این ظرفیت می‌توانست مبنای یک

ابتکار دیپلماتیک و اقتصادی باشد.

البته افسانه‌های پانیر و زمستان سرد اروپا هم بی‌تأثیر نبود؟

متأسفانه، به‌جای بهره‌گیری از این فرصت، برخی تحلیل‌های غیرواقع‌بینانه و شعارگونه مانند تصور فروپاشی کامل اروپا در زمستان بر سیاست‌گذاری‌ها سایه انداخت و موجب از دست رفتن یک فرصت تاریخی شد. یک نکته بسیار مهم وجود دارد؛ اگر این‌گونه تحلیل‌های غیرواقع‌بینانه صرفاً در سطح رسانه‌ها و مطبوعات مطرح شود، شاید بتوان آن را در چارچوب آزادی بیان تحمل کرد. اما زمانی که همین نگاه‌ها به سطح تصمیم‌گیری‌های سیاسی و سیاست‌گذاری کلان سرایت می‌کند، نتیجه آن فاجعه‌بار خواهد بود. بنابراین اگر بخواهم افق روابط ایران و اروپا در سال پیش‌رو را ترسیم کنم، کلید این تحول را نه در اروپا، بلکه در تهران می‌بینم. این ایران است که باید تصمیم سیاسی لازم برای دگرگون‌سازی این رابطه را اتخاذ کند.

اجازه دهید در پایان، بحث ایران و اروپا را از زاویه‌ای دیگر بررسی کنیم. اروپا اخیراً، فراتر از مسئله اوکراین، موضوع «توافق جامع» را مطرح کرده است؛ مفهومی که آمریکایی‌ها نیز بر آن تأکید دارند. در این چارچوب، مسائل منطقه‌ای معمولاً با امنیت اسرائیل پیوند داده می‌شود. اما مسئله موشکی و پهپادی، به‌ویژه پس از جنگ اوکراین، به‌طور مستقیم به امنیت اروپا گره خورده است. به نظر شما اروپا تا چه اندازه در پیگیری یک توافق جامع و مذاکرات فراگیر با ایران جدی است؟

علی‌ماجدی: به نظر من، هنگامی که وارد مذاکره می‌شویم، باید به واقعیت‌ها توجه کنیم. مسئله اصلی اروپا نه پهپادهای ایران است و نه موشک‌های آن. برد موشک‌های ایران، در وضعیت کنونی، اساساً به اروپا نمی‌رسد و حتی اعلام شده که برنامه‌ای برای افزایش آن وجود ندارد. بنابراین، مسئله موشکی، برخلاف موضوع هسته‌ای، یک مسئله لاینحل نیست. در موضوع هسته‌ای، حضور آمریکا اجتناب‌ناپذیر است؛ اما در سایر حوزه‌ها، از جمله همکاری‌های اقتصادی و انرژی، امکان رسیدن به یک توافق کلی با اروپا وجود دارد. اروپا به‌طور طبیعی ایران را به عنوان یک شریک بالقوه می‌شناسد. تجربه تاریخی نیز این را نشان می‌دهد زمانی که ایران پس از آمریکا، دومین شریک تجاری آلمان بود و بخش مهمی از ساختار صنعتی کشور بر پایه همکاری با آلمان شکل گرفته بود.

در دوره برجام، پروژه‌های بزرگی تعریف شد که اسناد آن موجود است. اگر امروز از ظرفیت‌ها سخن می‌گویم، نباید فراموش کنیم که این کشور از نظر منابع انسانی، موقعیت ژئوپلیتیک، تاریخ و ظرفیت‌های انبوه بالقوه بسیار پتانسیل دارد. مسئله اینجاست که این ظرفیت‌ها بالفعل نشده‌اند. ما در سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ قرار بود به قدرت برتر منطقه تبدیل شویم؛ اما امروز، جایگاه اقتصادی ایران در آسیا فاصله معناداری با آن هدف دارد. این پرسش‌ها باید صریح و شفاف مطرح شوند؛ چه شد که به این نقطه رسیدیم؟

با توجه به این توضیحات، اجازه دهید برای جمع‌بندی به پرسشی دیگر بپردازیم. در سال ۲۰۲۵ و بازگشت ترامپ، بار دیگر از «روپای تحقیرشده» سخن گفته می‌شود؛ وضعیتی که بیش‌تر نیز تجربه شده است. به نظر شما، این اروپا در سیاست خارجی ایران چه جایگاهی دارد؟ آیا احیای روابط با چنین اروپایی‌ای اساساً ارزشمند است؟

جاوید قربان‌اوغلی: من اساساً با به‌کارگیری تعبیر «روپای تحقیرشده» موافق نیستم و استفاده از چنین واژه‌ای را حتی توصیه نمی‌کنم. اروپا مجموعه‌ای متشکل از ۲۷ کشور است که با وجود مشکلاتی مانند جنگ اوکراین، سیاست‌های ترامپ و چالش‌های امنیتی، همچنان یکی از بازیگر مهم جهانی محسوب می‌شود. در سیاست خارجی، من به «موازنه مثبت» باور دارم؛ یعنی تعریف روابط با همه کشورها بر اساس منافع ملی. به جز اسرائیل که شرایط خاص خود را دارد، ایران باید با همه کشورها از آمریکا و اروپا گرفته تا چین، روسیه، ژاپن و دیگر بازیگران روابط متوازن برقرار کند. اروپا همچنان ایران را به عنوان کشوری دارای ظرفیت‌های جدی می‌شناسد، به‌ویژه در حوزه انرژی؛ حوزه‌ای که اروپا به‌شدت به آن نیازمند است و توان ایجاد زیرساخت‌های لازم را نیز دارد. سیاست خارجی، دنیا ممکن‌هاست، نه دنیای آرمان‌های دست‌نیافتنی. نگاه صرفاً امنیت‌محور یا نظامی‌محور، آفت سیاست خارجی ما بوده است. در کنار امنیت، توسعه باید مدخل اصلی سیاست‌گذاری‌ها باشد. توسعه بدون مشارکت خارجی، سرمایه‌گذاری خارجی و پیوند منافع ایران با منافع سایر کشورها ممکن نیست. تجربه کشورهایی مانند عربستان، امارات و قطر نشان می‌دهد چگونه می‌توان ظرفیت‌های بالقوه را به

بافتل تبدیل کرد. در نهایت، آنچه تعیین‌کننده است، اراده و عزم سیاسی است. اگر اروپا احساس کند ایران با برنامه‌ای مشخص و عزمی جدی وارد گفت‌وگو شده است، چه در موضوع اوکراین، چه انرژی و چه سایر مسائل امکان پیشرفت وجود دارد. وضعیت کنونی اقتصاد ایران، با وجود همه ظرفیت‌ها، زینده این کشور نیست. راه‌ست، راه‌ست از معادلات کاهش خواهد یافت. اکنون، پیش از پایان جنگ اوکراین، موضع ایران همچنان اهمیت دارد. در این مقطع، نظام می‌تواند با تعیین یک نماینده ویژه با اختیارات کامل،

۱- **مناقضه‌گذار:** شهرداری محمدیه

۲- **کلیه** مراحل برگزاری مناقضه از دریافت اسناد مناقضه تا ارائه پیشنهاد مناقضه‌گران و بازگشایی پاکت‌ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد و لازم است مناقضه‌گران در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت نام در سامانه مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقضه محقق سازند.

۳- **موضوع مناقضه:** تأمین رانندگان اتوبوس و ون‌های ملکی شهرداری و مکانیک و خط نگهدار سازمان حمل و نقل شهرداری محمدیه جمعاً به تعداد ۴۴تنفر به مدت ۱۲ماه از تاریخ ۱۴۰۴/۱۱/۰۱ لغایت ۱۴۰۵/۱۰/۳۰ از محل اعتبارات داخلی شهرداری با برآورد اولیه ۹۶۵۶،۰۹۶۴۹،۳۹۱،۵۰ ریال به پیمانکار واجد شرایط دارای صلاحیت پیمانکاری و همچنین دارای یک نمونه قرارداد تأمین راننده درون شهری باشند و گذار نمایند. (مطابق اسناد مناقضه)

۴- **مبلغ سپرده:** ۱۲/۵۰۰/۰۰۰/۰۰۰ریال به صورت ضمانت‌نامه بانکی و یا فیش واریزی نزد بانک ملی شعبه محمدیه به شماره حساب ۳۱۰۰۰۲۳۳۱۰۰۱ (شناسه ملی شهرداری ۰۶۸۲۰۲۶۰۱۴۰۰) مطابق شرایط قید شده در سامانه ستاد.

۵- **هزینه** خرید اسناد از طریق سامانه ستاد ۵۰۰/۰۰۰/۰۰۰ریال می‌باشد.

۶- **هزینه** نشر آگهی و سامانه ستاد به عهده برنده مناقضه می‌باشد.

۷- **در صورتی** که برگذگان اول و دوم حاضر به انعقاد قرارداد نگردند سبیده آنان به ترتیب به نفع شهرداری ضبط خواهد شد.

۸- **سایر** اطلاعات و جزئیات مربوط به معامله در اسناد مناقضه مندرج می‌باشد.

۹- **تاریخ** انتشار مناقضه در سامانه تاریخ ۱۴۰۴/۱۰/۰۱ می‌باشد.

۱۰- **مهلت** زمانی دریافت اسناد مناقضه از سایت تا ساعت ۱۶ روز یکشنبه ۱۴۰۴/۱۰/۱۴ می‌باشد.

۱۱- **مهلت** زمانی ارائه پیشنهاد تا ساعت۱۶ روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۴/۱۰/۱۹ می‌باشد.

۱۲- **زمان** بازگشایی پاکت ساعت۸ صبح روز سه شنبه مورخ ۱۴۰۴/۱۰/۳۰ می‌باشد.

۱۳- **اطلاعات** تماس دستگاه مناقضه‌گذار جهت دریافت اطلاعات بیشتر درخصوص اسناد مناقضه و ارائه پاکت‌های

الف - آدرس: استان قزوین، شهر محمدیه، بلوار امام حسین(ع)، شهرداری محمدیه- تلفن ۰۲۸۳۲۵۶۲۷۰۰

ب - اطلا عات تماس سامانه ستاد جهت انجام مراحل عضویت در سامانه ۰۴۱۹۳۴-۰۲۱ و دفتر ثبت‌نام ۰۸۹۹۶۹۳۷۲۷۸۸۱۳۳۷۴۷۸۹-۰۲۱

شناسه آگهی: ۰۲۰۷۹۵۶۳

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۱۰/۰۳

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۱۰/۰۱

۱۶۵

روابط عمومی شهر داری محمدیه

۱۶۵

۱۶۵

۱۶۵

۱۶۵

۱۶۵

۱۶۵

۱۶۵

۱۶۵

۱۶۵

۱۶۵

۱۶۵

۱۶۵

۱۶۵

۱۶۵

۱۶۵

۱۶۵

۱۶۵

۱۶۵

۱۶۵

۱۶۵

۱۶۵

۱۶۵

۱۶۵

۱۶۵

۱۶۵

۱۶۵

۱۶۵

۱۶۵

۱۶۵

۱۶۵

۱۶۵

۱۶۵

۱۶۵

۱۶۵

۱۶۵

۱۶۵

۱۶۵

۱۶۵

۱۶۵

۱۶۵

۱۶۵

۱۶۵

۱۶۵

۱۶۵

۱۶۵

۱۶۵

۱۶۵

۱۶۵

۱۶۵

۱۶۵

۱۶۵

۱۶۵

۱۶۵

۱۶۵

۱۶۵

۱۶۵

۱۶۵

۱۶۵

۱۶۵

۱۶۵

۱۶۵

۱۶۵

۱۶۵

۱۶۵

۱۶۵

۱۶۵

۱۶۵

۱۶۵

۱۶۵

۱۶۵

۱۶۵

۱۶۵

۱۶۵

۱۶۵

۱۶۵

۱۶۵

۱۶۵

۱۶۵

۱۶۵

۱۶۵

۱۶۵

۱۶۵

۱۶۵

۱۶۵

۱۶۵

۱۶۵

۱۶۵

۱۶۵

۱۶۵

۱۶۵

۱۶۵

۱۶۵

۱۶۵

۱۶۵

۱۶۵